



باز اجتماعی کردن بزهکاران؛ نقش جامعه مدنی

■ فهمیده فرهنگی

آماده می‌کند. در تعریفی دیگر، باز اجتماعی شدن شامل حمایت از بزهکاران در زمان بازگشت آن‌ها به اجتماع پس از گذراندن دوره حبس است.

در فرآیند باز اجتماعی کردن بزهکاران عناصری که به ایفای نقش می‌پردازند عبارتند از: جامعه، نهادهای عمومی و شخص بزهکار. با در نظر گرفتن نقش عمده‌ی جامعه در فرآیند مذکور، در این شماره به جامعه به عنوان یکی از عوامل تأثیرگذار بر فرآیند باز اجتماعی شدن بزهکاران پرداخته می‌شود.

حضور شخص در زندان و شرایط متفاوتی که وی طی دوران محکومیت خود در زندان تجربه می‌کند، گاه سبب ایجاد تغییرات اساسی در شخصیت و رفتار اجتماعی وی می‌شود. اهمیت این تغییرات زمانی مشخص می‌شود که فرد بزهکار پس از آزادی از زندان، در مواجهه با موقعیت‌های دشوار، رفتارهایی ناهماهنگ با هنجارهای عمومی جامعه از خود بروز می‌دهد. باز اجتماعی کردن بزهکاران (social reintegration) فرآیندی است که فرد بزهکار را برای بازگشت به اجتماع و پذیرفته شدن توسط اعضای جامعه

کمک کرده و از تغییرات حمایت نمایند. برخی برنامه‌ها، به ویژه برنامه‌هایی که برای بزهکاران این فرصت را فراهم می‌آورند تا در سرویس‌های خدمات اجتماعی فعالیت نموده و یا اقدامات داوطلبانه‌ی عام‌المنفعه انجام دهند، می‌توانند در بازپروری گروه‌های مشخصی از بزهکاران و جلب احساسات مردم نسبت به آن‌ها بسیار موفقیت‌آمیز عمل کنند. به هر شکل، اجرای چنین برنامه‌هایی بدون بهره‌گیری از حمایت جامعه به ندرت عملی بوده و موفقیت آن‌ها در گرو مشارکت فعالانه‌ی اعضای جامعه خواهد بود. به علاوه، سطح مشارکت اجتماعی نیز غالباً

به اجتماع ایفا می‌کنند، جذب علاقه و مشارکت اجتماع در این امر نیازمند اتخاذ تدابیر و راهبردهای خاصی می‌باشد. جوامع همیشه پذیرای ایده‌های ابتکاری برای استقبال و حمایت از بزهکاران سابق نیستند؛ خصوصاً کشورهایی که منابع آنها برای کل جامعه محدود بوده و دسترسی به خدمات اساسی و ضروری از ظرفیت محدودی برخوردار است. افراد جامعه غالباً دارای نگرش تنبیهی هستند و وجود چنین نگرشی به اجرای برنامه‌های اصلاح اجتماع-محور کمک چندانی نمی‌کند. سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) می‌توانند به قرار گرفتن این مسئله در دستور کار راهبردی کشور

اجرای برنامه‌های بازگشت زندانیان به اجتماع، پذیرفته شدن ایشان به عنوان عضوی از آن اجتماع، و برعهده گرفتن نقش‌های اجتماعی توسط آن‌ها، صرفاً با تمرکز بر مدیریت فاکتورهای خطر بزهکاران و رفع نیازهای آن‌ها محقق نمی‌شود؛ چرا که جامعه در این فرآیند نقش بسیار برجسته‌ای ایفا می‌کند. لذا، در تدوین برنامه‌های باز اجتماعی کردن بزهکاران، هدف اصلی بایستی ایجاد، پشتیبانی و نیز کنترل روابط اجتماعی پیرامون فرد بزهکار قرار گیرد. از آن جایی که نهادهای اجتماعی نقشی کلیدی در پشتیبانی از بازگشت موفقیت‌آمیز بزهکاران

وابسته به میزان صداقت و شفافیت نظام عدالت کیفری است. یک نظام عدالت کیفری متعهد به استانداردهای شفافیت، پاسخ‌گویی، یکپارچگی، و صداقت احتمالاً در به کارگیری انواع مختلف مشارکت اجتماعی موفق‌تر عمل خواهد کرد.

الف. نیروهای داوطلب

به کارگیری نیروهای داوطلب روشی کارآمد برای مشارکت دادن اجتماع و فراهم آوردن حمایت هر چه بیشتر از بزهکاران می‌باشد. در مواد ۱۹.۱ تا ۱۹.۳ از مجموعه‌ی «مقررات استاندارد حداقلی برای اقدامات غیرمتعهدانه‌ی سازمان ملل متحد» که به «مقررات توکیو» (Tokyo Rules) معروف است، به اهمیت نقش داوطلبان به ویژه چنانچه آموزش دیده و تحت نظارت عمل نمایند، اشاره شده است:

۱۹.۱. داوطلبان باید به دقت مورد بررسی قرار گرفته و بر اساس استعداد و علاقه‌ی خود به انجام فعالیت‌های مربوطه بپردازند. آن‌ها باید برای مسئولیتی که به ایشان سپرده می‌شود به طور کامل آموزش ببینند و همواره مشاوره‌ی پشتیبانی مقامات ذیصلاح دسترسی داشته باشند.

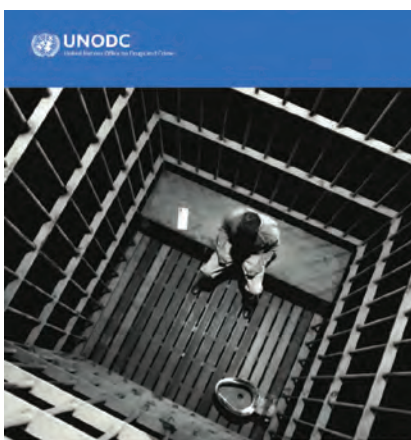
۱۹.۲. داوطلبان باید افراد بزهکار و خانواده‌های آن‌ها را ترغیب به برقراری روابط معنادار با اجتماع نموده و با ارائه‌ی مشاوره و سایر اشکال معاضدت بر مبنای نیازهای بزهکاران، برای آن‌ها امکان ایجاد دایره‌ای گسترده‌تر از روابط با سایرین را فراهم کنند.

۱۹.۳. داوطلبان باید در برابر تضادفات، سوانح و مسئولیت‌های عمومی در زمان انجام وظایف خود بیمه شوند. هم‌چنین، هزینه‌های مجازی که در زمان انجام کار به داوطلبان تحمیل می‌شود، باید به آن‌ها عودت داده شود و نیز خدماتی که آن‌ها در جهت بهبود جامعه ارائه می‌کنند باید توسط مردم به رسمیت شناخته شود.

ب. حلقه‌های پشتیبانی و پاسخ‌گویی

یک حلقه‌ی پشتیبانی و پاسخ‌گویی نوعی برنامه‌ی بازگشت اجتماعی است که هدف آن، کاهش خطر احتمال ارتکاب مجدد جرم توسط بزهکارانی است که در گذشته مرتکب جرائم جنسی شده‌اند و پس از گذراندن دوران محکومیت خود بدون هیچ‌گونه نظارتی وارد جامعه شده‌اند. هدف حلقه تأمین امنیت عمومی از طریق همکاری با پلیس، گروه‌های همسایگی، افراد بزه دیده و متخصصان درمانگر است.

این نوع برنامه در ابتدا در کانادا و به عنوان وسیله‌ای برای پر کردن خلأ موجود در سیاست‌های دولت در زمینه‌ی ارائه‌ی خدمات به آن دسته از افرادی که



دوران محکومیت خود را در زندان سپری کرده و پس از پایان محکومیت خود آزاد شده‌اند، طراحی شد. این افراد بدون هیچ‌گونه فرآیند رسمی مراقبت پس از آزادی و نیز بدون هر گونه کمک و نظارت آزاد می‌شدند. این برنامه به سبب وجود ضرورت کار با زندانیان آزاد شده‌ای که مرتکب جرائم جدی شده‌اند (جرم بسیاری از آن‌ها ارتکاب جرائم جنسی بوده است) و بازگشت آن‌ها به اجتماع ممکن است موجب بروز نگرانی‌های عمومی و جلب توجه رسانه‌ها شود، ترتیب داده شده است.

این برنامه یک نمونه از مشارکت اجتماعی و کسب موفقیت در همکاری میان جامعه و نظام قضایی است. داوطلبان شرکت‌کننده در برنامه با دقت از میان افراد جامعه انتخاب شده، به طور حرفه‌ای آموزش دیده و تحت پشتیبانی‌های لازم قرار می‌گیرند. یک توافق‌نامه میان عضو اصلی (فرد بزهکار) و حلقه‌های داوطلب که گاه برای یک بزهکار به هفت حلقه نیز می‌رسد، تنظیم می‌شود؛ اما مشارکت از جانب هر یک از طرفین کاملاً داوطلبانه است.

پ. عدالت ترمیمی

در موضوع عدالت ترمیمی با سه مفهوم اساسی مواجه هستیم. این مفاهیم عبارتند از: مواجهه، ترمیم یا جبران خسارت، و دگرگونی. مواجهه، اهمیت جلسات طرفین و مزایای بسیار ناشی از بحث طرفین در مورد جرم، عوامل وقوع و عواقب آن را مورد توجه قرار می‌دهد. آن چه در مفهوم جبران خسارت عنوان می‌شود این اصل است که «جرم به آسیب منجر می‌شود؛ عدالت باید آن آسیب را ترمیم کند». مفهوم دگرگونی در سطوح چندگانه‌ی جامعه با روابط خدشه دار شده سروکار دارد. این مفهوم نه تنها موارد شخصی آسیب را مورد توجه قرار می‌دهد بلکه به مسائلی ورای مسائل ساختاری بی‌عدالتی هم چون نژادپرستی، تبعیض جنسیتی، و تبعیض طبقاتی می‌پردازد.

هر کدام از این‌ها، مردم را به کلی از همزیستی سازگار و از روابط سالم با بزهکاران و ارتباط آن‌ها با محیط‌های اجتماعی و فیزیکی شان باز می‌دارد. بنابراین عدالت ترمیمی روشی برای زندگی است چون هم‌هی روابطمان را مورد توجه قرار می‌دهد و (اغلب از طریق به چالش کشیدن بی‌عدالتی‌های اجتماعی موجود) شیوه‌ای در اختیار می‌گذارد که می‌توان با آن روابط خدشه دار شده را ترمیم کرد. برنامه‌های عدالت ترمیمی اجتماع-محور می‌تواند به تولید سرمایه‌های اجتماعی منجر و پذیرش و مشارکت جامعه را در حمایت از بازگشت بزهکاران به اجتماع افزایش دهد. بهره‌گیری از چارچوب عدالت ترمیمی در بازگرداندن بزهکاران به اجتماع، فرصتی است برای تعریف برنامه‌ها نه فقط از جنبه‌ی مداخلات فردی بلکه از جنبه‌هایی نظیر کمک به جوامع در ایجاد انعطاف‌پذیری در میان خود، افزایش ظرفیت و اثر بخشی جمعی به منظور اعمال کنترل اجتماعی به شیوه‌ی غیررسمی بر روی بزهکاران، و نیز اجرای ارزش‌های درون آن جامعه. در این شیوه، جامعه نه فقط در قالب یک منبع غیررسمی حمایت اجتماعی بلکه به عنوان منبع غیررسمی کنترل اجتماعی عمل می‌کند.

روش‌های برنامه ریزی برای بازاجتماعی کردن بزهکاران که در بالا عنوان شد، به مقامات رسمی این امکان را می‌دهد تا با همکاری اعضای جامعه، بزهکاران را پس از آزادی تحت نظر داشته و از این طریق، هر گونه احتمال ارتکاب مجدد جرم توسط آن‌ها را از میان برده و نیز زمینه را برای دسترسی این افراد به انواع خدمات مورد نیازشان فراهم نماید.

منابع

1. UNODC. (2018). Handbook on the Prevention of Recidivism and the Social Reintegration of Offenders. Vienna: United Nations.
2. Ness, D. W. (2015). Restoring Justice. London & New York: Routledge.
3. M. A. Pappozzi and P. Gendreau, (2005). "An intensive supervision program that worked: service delivery, professional orientation, and organizational supportiveness", The Prison Journal, vol. 85, No. 4, pp. 466-445.
4. D. A. Andrews and J. Bonta, (2003). The Psychology of Criminal Conduct, 3rd ed. (Cincinnati, Ohio, Anderson).
5. R. Serin, B. Voung and S. Briggs, (2003) "Intensive supervision practices: a preliminary examination", Research Brief No. B31- (Ottawa, Correctional Service of Canada).